

نویسید

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۲۵، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۵۷

سلسله مقالات ((نویسید)) دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران
ونقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۳)

مبارزهٔ صنفی چگونه سیاسی میشود

این که منابع همه کارگران یک کشور یکسان است و سرانجام درک این ضرورت و فریضه که کارگران برای رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های خود نیازمند به فعالیت سیاسی اند، به طور خودبه‌خود در کارگران ایجاد نمی‌شود. تاثیر ناسدکنندهٔ ایدئولوژی طبقاتی استثمارگر و انواع دسایس و ترفندنگی‌های آن‌ها مانع از آن است که کارگران به منابع طبقاتی خود واقف شوند.

رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا، روند بفرنی است و در کشور های مختلف، با سرعت متفاوت انجام می‌پذیرد. رسالت حزب طبقه کارگر در این عرصه با شدت و انزور حیاتی خودنمایی می‌کند. این حزب برای اعتلای آگاهی طبقه کارگر، که مبارزه ایدئولوژیک می‌پردازد جنبش کارگری که به طور خودبه‌خود با حرکت‌های صنفی و اقتصادی آغاز می‌شود، در مبارزات سیاسی رشد کلی می‌کند. دست ما به مبارزه سیاسی کارگران، ایدئولوژی آنهاست.

دوگرایش انحرافی عدهٔ همواره جنبش‌گرایی را تهدید می‌کند:

- ۱- مطلق کردن مبارزه صنفی و اقتصادی؛
 - ۲- مطلق کردن مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک.
- این هر دو گرایش با آن که به ظاهر دو جهت‌گامای متفاوت را نشان می‌دهند، مقصد یگانه‌ای دارند و به یکسان به جنبش کارگری آسیب می‌رسانند. در شق اول کوشش بر آنست تا با حذف عنصر سیاسی ایدئولوژیک که تنها عرصه موثر طبقه است، طبقه را در برابر دشمنان سپهره‌کنان خلع سلاح کند. ارتش بی سلاح همان ارتش مغلوب است. این نادیده‌ماندگی سازشکاری، طبقه را دست‌بسته به سلخ سرمایه می‌برد.
- در شق دوم عناصر ماجراجو و فراطبیعی، چه با وجود کردن کارگران آگاه از توده‌های کارگر، با فاصله انداختن بین پیشاهنگ طبقه و هم پیشاهنگ را مغزی می‌کنند و به تاکتیک می‌کنند و هم توده‌های وسیع کارگری را در انفسون و اسارت سرمایه دران تنها باقی می‌گذاردند.
- دیناله در صفحه ۳

هر مبارزه صنفی و اقتصادی ناهمی‌ساز است. جنبش کارگری بدون مبارزه اقتصادی نمی‌تواند به طور گسترده جنبه سیاسی پیدا کند و رسالت تاریخی طبقه را به انجام برساند. اما اگر مبارزات اقتصادی به نبرد سیاسی فراتر رود، پرولتاریا در اسارت سرمایه و در تارهای عنکبوت استثمار باقی خواهد ماند.

مبارزه صنفی و اقتصادی به مبانی نظام سرمایه داری لطمه نمی‌زند و ضایع بنیادی اقتصادی کارگران را نشان نمی‌دهد. تجربه تاریخ و زندگی به روشنگر می‌آورد که کجای‌های ناپوشنا و ستیزهای صنفی و مطالباتی، بدون پیروزی‌های سیاسی، تعیین شده نیست و هر لحظه ممکن است مورد جفا و ستم قرار گیرد. کارگران باید در وقت آنان برای باج‌باز کردن دستاورد‌های کارگران، برای تفریح طبقه ضایع آنان، کشتن فرصت را از دست نمی‌دهند. این تجربه تلخ را مادر صیبن خود را گوشت پوست و استخوان مان آورده‌ام.

غیر قانونی کردن اتحادیه‌های واقعی کارگران، تغییر قانون کار در سمت ارتجاعی پس از کودتای ۲۸ مرداد، از آن جمله لمس حق اعتراض، بنوعی ایز فرصت طلایی و بخت‌گرمی مستبدانه طبقات حاکمه است.

مبارزه طبقاتی پرولتاریا هنگامی به طور جدی و شالوده‌ای آغاز می‌شود که از چارچوب منابع روزمره گذشته و به مبارزه برای نیل به قدرت حاکمه بدل گردد. یعنی تمام طبقه سرمایه داران و دولت پاسداری منابع آنان را آماج قرار دهد.

ضایع طبقه کارگر احزاب طبقه کارگر اختراع نمی‌کند. این ضایع پایه عینی دارد. در نظام سرمایه داری، هر کارگری می‌تواند با بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی و تبعیضات گونه‌گین روبرو شود. در این شرایط ناراضی و روحیه اعتراضی سرکشی کارگر، به ازتساب طبیعی و اجتناب‌ناپذیری است. اما احساس مردم راضی و مطمئن با بقوه در وجود کارگر، هنوز به معنای آگاهی طبقاتی نیست. درک این واقعیت که کارگران برای بهبود سرنوشت و نجاتن آزادی راهی جز مبارزه علیه سرمایه داران ندارند، درک این واقعیت که کارگران طبقه واحدی متمایز از دیگر طبقات جامعه را تشکیل می‌دهند و



سیاست بمب و چماق هم محکوم به شکست است

حوادث ماههای اخیر، به ویژه رویداد های هفته‌ای که گذشت، رخنه‌های اساسی وضع سیاسی جامعه ما را فارغ از جنبش‌های تبلیغاتی و های وهوی و مرمک پرانی‌ها در برابر انتظار هگان روشن ساخت. این وقایع منوع که رشته یگانه‌ای از رویدادها را به پیوند می‌دهد، به وضوح نشان داد که رژیم شاه - ساواک - علی‌رغم ادعاهای بیجا و پوای باقی‌های پر سرسود ای خود، نه تنها کمترین علاقه‌ای به گسترش فضای سیاسی کشور و احیای آزاد های لگد مال شده، استبداد ندارد، بلکه دشمن خوبی و قسم خورد است و هیچ فرصتی را برای ارتقاء شکر کردن و به خاک و خون کشیدن آزادی و دوست‌داران و طلب‌کنندگان آن از دست نمی‌دهد. این رویداد ها از سوی دیگر ثابت کرد که رژیم شاه - ساواک - که در عرصه سیاسی و اجتماعی، و سواکی خاص و عام، مغزی و ناتوان شده، دیناله در صفحه ۲

وحدت و تضاد نیروهای ضد استبداد

بشت یکدیگر طی کنند، وظیفه همه صیبن پرستان واقعی و دوستداران و کوشندگان راه آزادی است. تندی نیست که هم دشمن حیل‌گر و هم پاره‌ای از دوستان غافل و کم‌تجربه، هر یک از موضعی و به دلیل خاص خود، در این راه سنگ می‌اندازند. هر چند و کوشش، با همسر انگیزه و مستوایی در این لحظات سرنوشت‌ساز، بجاه کردن در مسیر جنبش گسترش‌یافتهٔ دموکراتیک و عدالت‌گرای خلق‌های ماست. جنبش خلق که قب استبداد را آماج قرار داده، در شرایط محدودیت نسبی و محظوظات سازمانها و احزاب سیاسی و تشکیک‌های صنفی تنها اتحاد عمل همه این سازمانها و احزاب می‌تواند استمرار و رشد خود را تضمین کند و اختناق آبرامبری را به گور سپارد. شک نیست که کاره جوی از اتحاد با نیروهای چپ و حزب طبقه کارگر در جنبه فکری و دیکتاتوری بیش از همه دشمن را نشان می‌دهد. چرا که اختلاف از این گم‌ترین و سازمان یافته‌ترین نیروی دموکراتیک کشور با ارتش ذخیره عظیم آن جنبه سازمان‌دهی استبداد را هم از بین می‌برد و از هم‌انزور و از هم‌انزور فریضه پذیر و ضعیف می‌سازد. برپا نمایی دسایس‌نگارگانه ساواکی و کوشش نظری‌های خطرناکی که زبان خلق و شادی خلق در دست، با همه توان و ابتکار خود بهترینیم.

دست دارد و هر نوع پیشرفت و تحول موقوف به حذف آنست و در شرایط بی‌دور نمای امروز آن، تضاد چنین آمیز یک هیولای ترسان و لرزان در او انباشته شده، به طور عینی با هیچ‌یک از هدف‌ها و نیازهایش یکدیگر ندارد و از طرف دیگر به خاطر همین خاستگاه طبقاتی و بیجان عینی‌های شمایز و نیتل‌زنی و رقابت و سابقه برای به دست گرفتن رهبری جنبه ضد دیکتاتوری، شکنجی ترک کردن وین خود در این جنبه، با یکدیگر تضاد دارند. مسائلی که در حال حاضر در درون نیروهای مسلکی و دموکراتیک به اشکال متنوع و مختلف بروز می‌کند، از این سرچشمه آب می‌خورد. اما اگر در این دقیق حساس، توجه این نیروها معطوف به آن نشود که تضاد آنها تحت الشعاع وحدت ضروری و حیاتی آنهاست است و هیچ عامل و انگیزه و حادثهٔ آفریننده‌ای وحدت لازم و کاربر را خدشه دار نکند، زبانیه بار خواهد آمد که میان تمامی این نیروها را خواهد گرفت و بی‌میزق و نیروی بیاره دادن به خفاش‌خون آسمان دیکتاتوری می‌فاسد و بی‌اراده در حال اعتراض است، حاصلی به بازخواهد آورد. تلاش برای تحقق این وحدت و شناخت و تبلیغ عرصه وسیع و راه درازی که متحدان ضد استبداد می‌توانند باید در کنار هم و پشت به

ما به سرنگار بیجا‌های تاریخ صیبن خود رسیده‌ام. در اینس که آغاز شده با سرعت و هجوم رویدادها و تکوین بوق آسای جبرانیسی مختلف اجتماعی و سیاسی شخصی می‌شود. نیروهای ملی و استبداد با فراوان استبداد در نیروی فشرده و تنگ‌نور و درگیر شده‌اند در حالی که عظیم ترین ارتش اجتماعی ما یعنی پرولتاریا و حزب سیاسی آن به میدان سنج و کالیبا به دلایل عینی و ذهنی فروکش کرده بود، با خوروش و صیابت نینجا با گذشته است، بفرنیسی‌های بی‌کار و ضد دیکتاتوری و استقلال طلبانه عقب و تفرقی یافته است. تجزیه سرسبع جامعه به قطب‌های سیاسی شخصی و نظام تنش‌های گونه‌گون هم‌در اینک سوربو طوقه به انجام همه عناصر و ذخیره‌های حیاتی رژیم و بحران همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آنست و از سوی دیگر از تضادی که در جنبه بالقوه نیروهای ملی و دموکراتیک وجود دارد ناشی می‌شود. این تضاد با تازم تقویت اجتماعی سیاسی این نیروها است. آنها صرف نظر از خاستگاه طبقاتی و راز و عقاید مسلک‌های متفاوت خود، در برابر فرای استبداد که مواضع اساسی جامعه را در

کارگران ایران، در راه احیای سازمان‌های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!